



عکس: عظیم‌صغری / ایران

همین الان در سازمان‌ها و بخش‌های دولتی چقدر این زمینه وجود دارد که مثلاً کارکنان یا مردم بتوانند اگر خطایی بود، اگر فسادی در آن دستگاه اتفاق افتاد آن را بر ملا کرده و شما را اصلاح کنند. چقدر این اتفاق می‌تواند بیفتد؟

■ **چرا به یک گفت‌وگو تبدیل نمی‌شود؟**
به این دلیل که بخش‌هایی، منافع خود را در فعال شدن این جریان‌ها نمی‌بینند. در دولت‌های هفتم و هشتم درست است که حاکمیت دویخشی بود اما بخش اصلی‌تر به نحوی پذیرای مشارکت مدنی و جریان‌سازی بود و در نتیجه فعالیت اجتماعی اتفاق افتاد و تحرک خیلی جدی ایجاد شد، ولی بعد از آن ما دیدیم که چه اتفاقی افتاد، چه فشارهایی آمد و امروز چه مشکلاتی برای کسانی که می‌خواهند جزء فعالان در حوزه‌های اجتماعی-سیاسی باشند به وجود می‌آید. وقایع سال‌های گذشته (دولت‌های هفتم و هشتم) تا حدی جامعه را به انفعال، بی‌تفاوتی، سکوت و درگوشی حرف زدن کشانده است. ما را از فرصت‌های به میدان آمدن، همکاری کردن

اسماعیل آزادی

روزگاری نه چندان دور، مفهوم و چشم‌انداز آمانشهراسلامی جامعه در حال گذار ایران را به خیابان‌ها کشاند و نظام چند هزار ساله شاهنشاهی را به کتاب‌های تاریخی فرستاد! اکنون بعد از ۴ دهه، رئیس‌جمهوری منشور حقوق شهروندی را به‌عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح می‌سازد، حقوقی که آنقدر مسلم و قطعی است که برخی بر این باورند که نیازی به قانون شدن در مجلس ندارد و به زبان دیگر، از ابتدایی‌ترین حقوق هر جامعه است، اما برخی آن را با همه سادگی‌اش بر نمی‌تابند و حتی خلاف قانون می‌دانند.

برخی مقاومت‌ها در برابر اجرایی شدن حقوق شهروندی را نتیجه شکافین نهاد سیاست و جامعه می‌دانند و معتقدند بسترهای لازم برای کنشگری جامعه و نهادهای مدنی آن فراهم نیست و در خود مردم هم نوعی ناامیدی ایجاد شده است. با دکتر سعید معید فر از جامعه‌شناسان شهیر ایرانی درباره حقوق شهروندی و رابطه جامعه با نهاد سیاست گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سعید معید فر، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «ایران» از چالش‌های اجرای حقوق شهروندی می‌گوید

شکاف جامعه و نهاد سیاست

طبقه متوسط محافظه‌کار شده است

■ همان‌طور که می‌دانید منشور حقوق شهروندی در نخستین اصول خود، بهره‌مندی از زندگی شایسته را در زمره این حقوق تعریف کرده، این در حالی است که بخشی از مردم جامعه ما در برخورداری از مصادیق ابتدایی این حقوق مثل خوراک، مسکن، شغل و... مشکلاتی دارند. آماري که براساس شاخص‌های کامیابی در سال ۲۰۱۴ ارائه شده، ایران در میان ۱۴۲ کشور، در رتبه ۱۰۷ است که برای کشوری چون ایران نگران‌کننده است. تحلیل شما از این فرآیند چیست؟

پدیده‌ای است ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که با مشکلات بسیاری مواجه است و توسعه نیافتگی یا کمتر توسعه یافتگی در بخش‌های مختلف جامعه رواج دارد. یکی از حوزه‌هایی که کمتر توسعه یافته و شاید بتوان گفت آن گونه که باید، توسعه نیافته، نهاد سیاست در جامعه ما است. ما یک جامعه سیاسی داریم و یک نهاد سیاست. ممکن است در جامعه سیاسی تغییر و تحولات جدی رو به جلو داشته باشیم اما در حوزه نهاد سیاست این حرکت بسیار کند و در برخی جاها حتی حرکت رو به عقب را شاهد بوده‌ایم.

■ **طبعاً این یک شکاف است! چه آثاری می‌تواند داشته باشد؟**

-بله! طبیعی است که شکاف بین جامعه و نهاد سیاست موجب توسعه نیافتگی در عرصه‌های دیگر نیز می‌شود. وقتی دولت متولی امر توسعه می‌شود و جایگاه شایسته‌ای برای مردم در نظر نمی‌گیرد نتیجه این است که به‌رغم صرف هزینه‌های بسیار هنگفت، آن گونه که باید، رفاه برای بخش‌های وسیعی از جامعه میسر نمی‌شود. دولت‌های هفتم و هشتم بالاترین میزان درآمدهای نفتی ۸۰۰-۷۰۰ میلیارد دلاری را داشت که در تاریخ کشور بی‌نظیر بود. قاعدتاً اگر نهاد سیاست در جامعه ما توسعه یافته بود و می‌توانست با جامعه مدنی همراهی کند می‌توانستیم در همان دوره، تأخیر جدی را جبران و به موقعیت ممتازی برسیم، اگرچه حتی قبل از دولت‌های نهم و دهم نیز برای تغییرات جدی در حوزه اقتصادی خیز برداشته بودیم ولی در دولت‌های نهم و دهم به‌جای اینکه با این درآمد نفتی شتاب مان چند برابر شود، برعکس عقبگرد کردیم این ناشی از شکافی است که بین حوزه سیاست و جامعه وجود دارد.

■ **دولت‌های قبل‌تر چطور؟**
ببینید! این شکاف با آمدن و رفتن دولت‌ها گاهی اشکال مختلف پیدا می‌کند. در دولت هفتم و هشتم نهاد سیاست خود را به جامعه نزدیک کرده بود و به همین دلیل با وجود منابع مالی بسیار کم و درآمدهای نفتی پایین در همه حوزه‌ها رشد داشتیم و

درگیر فعالیت‌های هسته‌ای و رفع تحریم‌ها بود که خیلی هم مهم بود و دیگری حوزه‌های بهداشت و درمان و تا حدودی هم ثبات در حوزه بازار ارز و بازار اقتصادی، ولی در حوزه اجتماعی همچنان که اشاره کردم توفیق قابل انتظار را نداشت یا به هر دلیلی نتوانست برنامه‌های خود را عملیاتی کند، اگر چه تلاش کرد شرایط در دانشگاه‌ها را تغییر دهد. به نظر می‌رسد بخش‌های دیگری از حاکمیت دولت را در حوزه اجتماعی-فرهنگی تقریباً به حاشیه رانده است. چه در عرصه دانشگاه‌ها، چه در عرصه نهادهای مدنی. شاید در عرصه مطبوعات تا حدی اثری داشته است ولی در مجموع دولت در عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی مشکل داشته است. به همین دلیل متأسفانه به دلیل مثرکم نبودن سرمایه اجتماعی در کشورمان، نداشتن همکاری جدی میان دولت و نهادهای موازی برای حل مسائل و برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی مشکل داریم اما این را من به عینه در دستگاه‌هایی که همکاری می‌کردم می‌دیدم، فرار کارکنان از کار، بی‌انگیزگی آن‌ها، بی‌اقتصادی آنها به دولت‌مردان و فضایی که فضای کار و بهره‌دهی نیست. یعنی نوعی بی‌اعتمادی یا

اعتماد پایین در جامعه نسبت به مسئولان وجود دارد، این وضعیت وخیم‌تر شود.

■ **با این‌وصف به نظر شما آقای روحانی می‌تواند بحث حقوق شهروندی را پیش ببرد؟**
دولت به تنهایی قسط می‌تواند در عرصه‌هایی که مردم کمتر جایگاه و موقعیت دارند موفق شود. دولت در عرصه هسته‌ای و بین‌المللی برای چه موفق است؟ درست است که با رای مردم روی کار آمده است که این کار را انجام دهد ولی در نهایت این مذاکرات در یک فضای خاصی انجام می‌شود که مردم نمی‌توانند در آنها نقش داشته باشند. البته طبیعی است مردم علاقشان مشخص است ولی مگر نبود که خود آقای روحانی بارها و بارها خطاب به دانشجویان، روشنفکران، به کسانی که در صحنه هستند خطاب می‌کرد که چرا حمایت نمی‌کنید، چرا حرف نمی‌زنید، چرا این زمینه سکوت کرده‌اید، این نشانی می‌دهد که دولت تنهاتست، اگرچه مردم با منویات ایشان هم‌راستایی دارند اما این جامعه ساکت و صامت است که عملاً باعث می‌شود دولت در عرصه‌هایی که برایش هزینه‌های زیادی دارد، جلو بیاید و دوباره عقب‌نشینی کند. در حوزه فرهنگ بحث کنسرت‌ها را در نظر بگیرید. بسیاری از چیزهایی که قبلاً بدیهی بود اکنون مشکل پیدا کرده است. شما می‌خواهید مثلاً در کرچ کنسرت

نیم نگاه

برگزار کنید تعداد معدودی گروه فشار جلوش را می‌گیرند درحالی‌که جامعه کرچ قویاً تمایل به برگزاری آن دارد. به عبارتی کاری که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌دهد مردم هم با آن هم‌آوایی دارند اما یک گروه فشار بسادگی جلوش را می‌گیرند. یا بحث اسپیدی‌اشی‌ها در اصفهان که آخرش هم معلوم نشد کی بود. گروه‌های فشار هزینه‌هایی را ایجاد می‌کنند و در نهایت دولت مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. نمی‌خواهم بگویم دولت مسئولیتی ندارد. دولت باید کار خودش را انجام دهد ولی انرژی را که دولت باید برای پیشرفت حوزه اجتماعی بگیرد ندارد. چون جامعه صامت و ساکت است.

■ **آیا طرح منشور حقوق شهروندی و برن آن به مجلس در تحرک جامعه در پشتیبانی از مطالباتی که دولت قصد پیگیری آنها را دارد، مؤثر خواهد بود؟**

تا جامعه به طور علنی وارد عرصه نشود، تا از این گفت‌وگوهای حاشیه‌ای در فضای مجازی درنیاید و تبدیل به

و حتی آموزشی بود. اگر می‌خواهید ببینید فضای جامعه چگونه است، بروید دانشگاه و ببینید چگونه است. دانشگاه تقریباً راکد است. استادان گله می‌کنند که دانشجو تن به درس نمی‌دهد دنبال فرار است. اخیراً دیدید که سر بحث پایان‌نامه فروشی و مقاله فروشی چه رسوایی‌های بزرگی برای دانشگاه و دانشجویان و استادان به وجود آمد. وقتی فضای دانشگاه شما سرد و یخ‌زده می‌شود و دانشجوی شما تحریک ندارد این فقدان حقوق و انگیزه به حوزه‌های دیگر مخصوصاً به حوزه‌های آموزشی هم کشیده می‌شود. دانشجویان می‌ترسند یا عملاً بی‌تفاوت شده‌اند علاقه‌ای به مباحث عمومی ندارند یا حداکثر این است که مثل ما که در تاکسی می‌نشستیم و گلابه‌هایی می‌کردیم و به محض پیاده شدن تمام می‌شد، اکنون هم در فضای مجازی گفت‌وگوهای می‌کنیم، اما بعد از آن ستر دیدی ندیدی. هیچ نتیجه‌ای ندارد.

■ **البته فضای مجازی توانایی تأثیرات**

ممكن است در جامعه سیاسی تغییر و تحولات جدی رو به جلو داشته باشیم اما در حوزه نهاد سیاست این حرکت بسیار کند و در برخی جاها حتی حرکت رو به عقب را شاهد بوده‌ایم

■ **اگر زمینه‌ها و بستر اجتماعی مهیا نباشد، نتیجه‌اش این است که از پیشرفته‌ترین قانون و منشور یک چیزی درمی‌آید که عملاً ما به آن هدف‌های موردنظرمان نمی‌رسیم. منشور حقوق شهروندی باید در یک فضای خواست عمومی اتفاق بیفتد**

■ **وقتی فضای دانشگاه سرد و یخ‌زده می‌شود و دانشجوی شما تحریک ندارد این فقدان تحرک و انگیزه به حوزه‌های دیگر مخصوصاً به حوزه‌های آموزشی هم کشیده می‌شود**

شگرفی دار!

شد یا اینکه آدم‌ها وارد کنش شدند و براحتی جاهایی که قانون تبعیض نژادی بود بر هم زدند. ما در جامعه مان چه زمینه‌ای برای کنش سیاسی-اجتماعی داریم؟ خیلی محدود است. حال ممکن است چند انجمن علمی که از قبل مانده‌اند اما به شکلی دائمی به این‌ها گفته‌اند که وارد حوزه‌های خاصی نشوید. فقط می‌توانید در این حوزه‌ها وارد شوید. در حوزه‌های دیگر مثلاً احزاب، نیروهای سیاسی، جریان‌های اجتماعی مثلاً چند نهاد خیریه و کمک به کودکان و کمک به معلولان هم داریم. این حوزه‌ها هم که گویا خیلی به کسی بر نمی‌خورد. ولی در حوزه‌های دیگر که باید وارد مثل یواش‌یواش در مورد کمک به مستندان، کمک به بچه‌های خیابانی و از این قبیل صحبت می‌کنیم.

■ **منشور حقوق شهروندی که به گفته دولتمردان قرار است به شکل لایحه هم پیگیری شود، با چه چالش‌های دیگری مواجه است؟**

دولت‌های نهم و دهم بالاترین میزان

درآمدهای نفتی ۸۰۰-۷۰۰ میلیارد دلاری را داشت که در تاریخ کشور بی‌نظیر بود. قاعدتاً اگر نهاد سیاست در جامعه ما توسعه یافته بود و می‌توانست با جامعه مدنی همراهی کند می‌توانستیم در همان دوره، تأخیر جدی را جبران و به موقعیت ممتازی برسیم

■ **شما فکر می‌کنید برای به تحرک واداشتن سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی و علمی چه باید کرد؟**

به نظر می‌آید به محض اینکه ما بستر و زمینه واقعی برای مردم فراهم کنیم و موانع را برای تحرک اجتماعی-سیاسی برداریم جامعه بسرعت به حرکت درمی‌آید، این مشارکت قدرت و پتانسیل فوق‌العاده‌ای برای تغییر و دگرگونی جامعه دارد. منتها مشکلی که هست این تعارض عمیق بین نهاد سیاست و جامعه شدت سایه افکنده و زمینه‌تحرک را از بین برده است.

آدم‌ها یا نیروها مثل ۵۰-۴۰ سال گذشته حاضر به هزینه کردن نیستند. ■ **اینکه یک دور باطل است یعنی تا فضایی باز نباشد مردم مشارکت نمی‌کنند و چون مردم مشارکت نکنند فضا باز نمی‌شود. بالاخره کدام؟ این یک دور بسته و باطل نیست؟**

درست است. شاید رویکرد جامعه نسبت به تغییر و تحولات دگرگون شده باشد. آن هم برای منی که نسل دوره انقلاب و قبل از آن هستم و عملاً تحرک اجتماعی-سیاسی را در شکل خاصش تجربه و تجمیع کرده‌ام متفاوت باشد. درحقیقت قابل بررسی است که نسل‌های جدیدتر ما که فرزندان ما هستند چطور فکر می‌کنند؟ چه واکنشی نسبت به فضای سیاسی-اجتماعی دارند؟ من این را می‌دانم که این نسل جدید به هیچ‌وجه حاضر به پرداختن هزینه‌هایی نیست که نسل من می‌پرداخت و امر این میدان مبارزه کردن و نهاد سیاست را به عقب‌نشینی وادار کردن نیست و چنین جسارتی ندارد. شاید بخشی از دلیل آن را بتوان در حرفی که ایگلهارت می‌زند، دید و آن اینکه شرایط عوض شده است، طبقه متوسط در جامعه ما رشد کرده به همین دلیل این‌ها محافظه‌کارتر شده‌اند درحالی‌که قبل‌تر به دلیل تراکم‌کمتر این طبقه، ممکن بود که محافظه‌کاری کمتر باشد و رادیکال‌تر عمل کرده باشند. نتیجه این است که عملاً نمی‌توانیم از نسل‌های جدید انتظار داشته باشیم که مثل نسل‌های ما برای وارد شدن در حوزه‌های اجتماعی-سیاسی هزینه بپردازند.

رویکرد دولت یازدهم این است که خود را به جامعه نزدیک کرده و این شکاف را پر کند؛ برنامه‌ای که آقای روحانی با عنوان حقوق شهروندی در اوایل دولت مطرح کرد و در انتها به حاکمی است که در این دولت نگرش برای بازگشت به جامعه و فعال کردن جامعه مدنی زیاد است



عکس: علی‌صغری / ایران